

معرفی کتاب

عنوان: فلسفه روشنگری

مؤلف: ارنست کاسیرر

ترجمه: بداله موقن

ناشر: نیلوفر، ۱۳۷۰، ۵۳۰ ص.

کاسیرر، مورخ و فیلسوف برجسته آلمانی با نگرشی دیالکتیکی به تبیین عناصر سازنده عصر روشنگری می‌پردازد. بررسی کاسیرر مبتنی بر بیان توالی‌گونه رویدادها و ارائه شکل‌های نظری متنوع از هم نیست. وی هر نظریه‌ای را از نظریه دیگر بیرون می‌کشد و تمام تحولات عصر روشنگری را به شیوه فرایندی - تکوینی، به‌عنوان زنجیره‌ای مرتبط با هم معرفی می‌کند. روشنگری معرف دوره‌ای در تاریخ اروپاست که قرن‌های هفده و هیجده را در برمی‌گیرد. سه ویژگی برجسته عصر روشن اندیشی، که آنرا از سایر دوره‌های تاریخی متمایز می‌کند، عبارتند از: روش شناسی جدید در فلسفه، خردگرایی، بسط تفکر انتقادی. در عصر روشنگری، فلسفه، ایده‌آل خود را بنابر الگوی علم طبیعی زمان معاصر خود می‌آفریند. کوشش برای حل مسئله مرکزی روش فلسفی، بیشتر متضمن استناد به قواعد استدلال در فلسفه نیوتن است. روش پژوهش نیوتنی این نیست که از مفاهیم و اصول موضوعه آغاز کنیم تا به پدیده‌ها برسیم، بلکه بر عکس می‌باید از پدیده‌ها آغاز و سپس از مطالعه پدیده‌ها، مفاهیم و اصول استخراج شود. بنابراین مشاهده، یافته‌های علم را به‌وجود می‌آورد و یافتن اصول و قوانین، موضوع پژوهش علم می‌شوند. این ترتیب روش شناختی نو وجه ممیزه اندیشه عصر روشنگری است. قرن هیجدهم، عصر خرد نیز هست. در این برهه، خرد دیگر حاصل جمع تصورات فطری نیست، که پیش از تجربه به انسان ارزانی شده باشد و ذات مطلق اشیا را آشکار کند؛ عصر روشنگری به خرد بیشتر به مثابه یک امر اکتسابی می‌نگرد تا به منزله یک میراث. در حقیقت، خرد، نیروی عقلی اصیلی است که ما را در کشف و تعیین حقیقت راهنمایی می‌کند؛ همین تعیین حقیقت، هسته و پیش‌فرض لازم برای هرگونه یقین واقعی است. مهمترین کار خرد پیوستن امور به یکدیگر و گسستن آنها از همدیگر

است. قرن هیجدهم، عصر انتقاد نیز خوانده می‌شود، زیرا روشنگری، نقد را با آفرینندگی که پیش از این به کمال صورت نگرفته بود، چنان ترکیب کرد، که نقد مستقیماً به خلاقیت تبدیل شد. به این ترتیب، هدف روشنگری، تغییر دادن شیوه اندیشیدن است، یعنی جایگزین کردن اندیشه تحلیلی - انتقادی به جای اندیشه اسطوره‌ای. کتاب فوق از هفت فصل تشکیل شده است.

فصل یکم: فرم اندیشه روشنگری

در این فصل، به روش فلسفه روشنگری که مأخوذ از قواعد استدلال نیوتن است، پرداخته می‌شود. مبدأ شناخت در این روش، تجربه و مشاهده است. در واقع فلسفه روشنگری روش شناختی فیزیک نیوتنی را می‌پذیرد و بی‌درنگ شروع به تعمیم آن می‌کند.

فصل دوم: طبیعت و شناخت طبیعت

در این فصل: فلسفه روشنگری می‌کوشد تا در یک فراگرد رهایی عقلی، هم استقلال طبیعت و هم استقلال عقل را نشان دهد.

فصل سوم: روان‌شناسی و نظریه شناخت

در این فصل بروابستگی و جدایی‌ناپذیری، مسئله طبیعت و مسئله شناخت از دیدگاه فلسفه روشنگری تاکید می‌شود، در واقع، اندیشه نمی‌تواند به سوی موضوع‌های بیرون از خود حرکت کند، بی‌آنکه در همان حال به خود بازنگردد.

فصل چهارم: ایده دین

در این فصل، به نگرش فلسفه روشنگری نسبت به دین پرداخته می‌شود. قوی‌ترین انگیزه فکری روشنگری و نیروی عقلانی واقعی آن در جهت مردود شمردن ایمان نیست؛ بلکه در ایده آلی نو از اعتقاد که روشنگری ادعا می‌کند، و نیز در فرمی جدید از دین که در روشنگری تجلی می‌یابد، قرار دارد. در حقیقت بنا به باور این عصر، انسان خود می‌باید به درک ایمان نائل شود و آن را از درون، آزادانه شکل دهد.

فصل پنجم: تسخیر جهان تاریخ

در این فصل، به تجزیه‌ناپذیری واحد، مسائل طبیعت و مسائل تاریخ، در فلسفه روشنگری اشاره می‌شود. در حقیقت روشنگری می‌کوشد تا هر دو را با ابزارهای عقلی یکسانی بررسی کند و می‌کوشد تا پرسش‌های همانندی را در مورد هر دو مطرح کند و

روش کلی خود را هم در مورد طبیعت و هم تاریخ به کار برد.

فصل ششم: قانون، دولت، جامعه

مطابق با ایده نیوتن مبنی بر اینکه طبیعت همواره در هماهنگی با خود است، فلسفه روشنگری به این استنتاج می‌رسد که نوعی قانون اساسی اخلاقی بر همه ملت‌ها حاکم است. آزادی، مالکیت خصوصی، قانونگرایی و تمسک به رای اکثریت به این تکوین قرارداد اجتماعی، مولفه‌های اساسی در ادارهٔ سالم جامعه‌اند.

فصل هفتم: مسائل اساسی زیبایی‌شناسی

در این فصل به تحول مقوله زیبایی‌شناسی در عصر روشنفکری پرداخته می‌شود. موضوع‌های مطرح شده شامل زیبایی‌شناسی کلاسیک و عینی‌بودن زیبایی، مسئله ذوق و چرخش به سوی ذهن‌گرایی، زیبایی‌شناسی شهودی و نبوغ می‌باشد.

رئوف آهوقلندری

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی